

## آمریکا توان حمله به ایران را ندارد

يك عضو سابق سیا با بیان اینکه ایران تهدیدی برای آمریکا نیست، نوشت: آمریکا از چنان توان نظامی برخوردار نیست که بتواند به ایران حمله کند...



يك عضو سابق سیا با بیان اینکه ایران تهدیدی برای آمریکا نیست، نوشت: آمریکا از چنان توان نظامی برخوردار نیست که بتواند به ایران حمله کند.

به گزارش خبرگزاری فارس، پایگاه اینترنتی "خانه شفاف‌سازی اطلاعات" در مقاله‌ای به قلم "مایکل اف. شیور" (Michael F. Scheuer)، عضو سابق سازمان سیا و نویسنده آمریکایی به توصیه برخی رویکردهای جدید در خصوص ایران به دستگاه سیاست خارجی دولت "بارک اوباما" پرداخت.

در توصیه‌های شیور آمده است: اولین نکته مهم این است که به مردم آمریکا گفته شود که ایران تهدیدی برای آمریکا نیست مگر آنکه از سوی ایالات متحده یا رژیم صهیونیستی به این کشور تهاجمی صورت پذیرد اما اگر چنین حمله‌ای انجام شود، آنگاه ایران به تهدیدی جدی برای ایالات متحده آمریکا بالاجز در زمینه دستیابی به انرژی بدل شده و حتی می‌تواند به انجام حملات علیه آمریکا در خاک این کشور نیز مبادرت ورزد. این در حالی است که طی 30 سال گذشته، مقامات فدرال آمریکا نظارت چندانی بر مهاجرت‌های صورت گرفته به این کشور نداشته‌اند بنابراین به درستی نمی‌دانند که چه کسانی و با چه قابلیت‌هایی را به خاک خود راه داده‌اند؟! این نویسنده آمریکایی در دومین توصیه خود به دولت اوباما تصریح کرد: دولت آمریکا باید رسماً اعلام کند که به هیچ حمله پیش‌دستانه‌ای علیه ایران دست نزده و اگر هم قرار بر حمله‌ای باشد، این حمله باید به تقاضای رئیس‌جمهور این کشور به آرای نمایندگان کنگره آمریکا گذاشته شود.

\* اگر صهیونیست‌ها به ایران تجاوز کنند، آمریکا بهتر است بی‌طرف بماند

سوم اینکه، سفیر رژیم صهیونیستی در آمریکا باید به وزارت خارجه این کشور فراخوانده شده و به وی تفهیم شود که نگرانی‌های این رژیم در خصوص خطر ایران برای موجودیتش برای دولت آمریکا قابل درک است اما اگر این رژیم تصمیم دارد به جنگ با ایران برود باید به تنهایی این کار را بکند. باید به سفیر رژیم صهیونیستی در آمریکا گفته شود که در صورت تجاوز این رژیم به ایران دولت آمریکا موضع بی‌طرفی اتخاذ کرده و سریعاً کلیه کمک‌های نظامی و مالی خود را به رژیم صهیونیستی قطع خواهد کرد.

مسئول سابق امور مربوط به "اسامه بن لادن" در سازمان سیا افزود: به عنوان چهارمین توصیه باید به مردم آمریکا هشدار داد که پس از انجام این اقدامات، شدیداً مورد حمله تبلیغاتی رسانه‌های صهیونیستی، ایپک (AIPAC) و طرفداران صهیونیست‌ها در کنگره آمریکا و دولت فدرال این کشور قرار خواهند گرفت. آمریکایی‌ها باید از کنار این تبلیغات با بی‌اعتنایی گذر کنند و به صهیونیست‌ها اجازه ندهند تا فرزندان آمریکا را برای یک "جنگ مذهبی" به نقطه‌ای از جهان بفرستند که آمریکا در آن هیچ منفعتی ندارد. شرکت در چنین جنگی باعث خواهد شد تا آمریکا بیش از پیش ورشکسته شده و سربازگیری اجباری در این کشور از سر گرفته شود؛ گذشته از اینها این جنگ به مثابه اعلام جنگ به کل جهان اسلام اعم از شیعه و سنی است.

این استاد دانشگاه آمریکایی نوشت: به جز در مواردی که ایالات متحده مورد حمله خارجی قرار گرفته باشد، گزینه نظامی باید در کلیه موارد از سیاست‌های آمریکا کنار گذاشته شود. حداقل تا وقتی که رئیس‌جمهور و کنگره‌ای در آمریکا بر سر کار بیایند که به قانون اساسی این کشور کاملاً پایبند باشند، باید از گزینه نظامی صرف‌نظر کرد.

به علاوه و مهمتر از همه، "گزینه نظامی به هیچ وجه نباید در خصوص ایران به کار گرفته شود چرا که ایالات متحده فاقد آن نیروی نظامی است که بتواند در چنین مواجهه‌ای پیروز از میدان خارج شود." عقل عرفی اقتضا می‌کند که سیاستمداران جلوی ژنرال‌های نظامی را در چنین اقدامی بگیرند چرا که کشتار دشمن و شهروندان غیرنظامی حامی‌اش بلاشک با شکست مواجه می‌شود اما مسئله این است که شبه‌سیاستمداران آمریکایی وقتی پای جنگ افروزی به میان آید بسیار احساساتی عمل می‌کنند و در عین حال ژنرال‌های نظامی آمریکایی نیز تصور می‌کنند که دانشمندان علوم اجتماعی بوده و قصد ملت ساختن دارند!

ژنرال مک‌کریستال (McChrystal)، فرمانده نیروهای آمریکایی در افغانستان نمونه کاملی از این دست ژنرال‌های آمریکایی است. این ژنرال آمریکایی در میانه یک تهاجم گسترده به ولایت هلمند افغانستان، بیشتر وقت خود را صرف عذرخواهی بابت کشتار غیرنظامیان افغان می‌کند. این در حالی است که این شهروندان به قتل رسیده نه حامی آمریکا و نه حتی حامی "کرزای" بوده‌اند، بلکه به‌عکس، حامیان طالبان و القاعده محسوب می‌شده‌اند.

\* افزایش حمایت مردمی از طالبان علی‌رغم عملیات نیروهای آمریکایی

نویسنده کتاب "غرور امپریالیستی" تصریح کرد: روند رو به رشد طالبان در افغانستان به روشنی بیانگر افزایش حمایت مردمی از این گروه است. این افزایش حمایت تنها در ولایات جنوبی افغانستان دیده نمی‌شود بلکه تمامی افغانستان را فراگرفته است. اگر نتوان این پدیده را افزایش حمایت از طالبان دانست حداقل باید آن را افزایش نفرت از اشغالگران دانست. این توهم که عذرخواهی بابت کشتار غیرنظامیان منجر به همراهی دل و قلب افغان‌ها با اشغالگران می‌شود چیزی نیست جز تئوری‌های جامعه‌شناسانه نظریه‌پردازان

مقابله با تروریسم. بی‌جهت نیست که مورخ نظامی صهیونیست، "مارتین ون کرولد" (Martin van Creveld) می‌نویسد که همیشه دکتربین‌های ضدشورش را بازندگان تدوین کرده‌اند.

جای تعجب دارد که چرا هنوز مردم آمریکا به سیاستمداران و ژنرال‌هایی اعتماد می‌کنند که معتقدند باید آنقدر دشمن و طرفدارانش را کشت تا شکست بخورند؟! جای آن دارد که آمریکایی‌ها بیدار شوند و بیش از این اجازه ندهند که فرزندان‌شان به ارتشی بپیوندند که هزینه مرگ و میر را می‌پردازد اما هیچگونه پیروزی به دست نمی‌آورد.

شیور تاکید کرد: جنگ‌هایی که اکنون آمریکا درگیر آنهاست محصول این تصور نادرست است که ماهیت جنگ عوض شده و جنگ‌ها از این پس تلفات زیادی در برنخواهند داشت. این تفکر بی‌پایه و اساس متعلق به روشنفکران اروپایی و آمریکایی است اما دشمنان اسلامگرای ایشان تصور بهتری از جنگ دارند. ژنرال‌های آمریکایی نظیر "ویلیام شرمن" (William Sherman)، ناتان بدفورد فورست (Nathan Bedford Forrest)، جورج پتون (George Patton) و تا همین اواخر اکثر ژنرال‌های نیروی دریایی آمریکا به خوبی می‌دانستند که جنگ، جنگ است و کشتن و کشته شدن دارد. با علم به چنین واقعیتی و با پیروی از نظر شرمن که بر این باور بود که تنها چیزی که در جنگ مهم است پیروزی سریع و کامل است، آمریکا پیش‌تر توانسته بود تا همواره در دل دشمنان خویش هراس افکند اما امروزه نیروهای نظامی آمریکا هر چند تا حدودی باعث می‌شوند که دشمنان این کشور در مواجهه با آن دست به عصا شوند اما بیش از هر چیز باعث خوشحالی دشمنان‌اند چرا که قصد دارند قلبی را که غیرقابل تصرف‌اند به قیمت میلیاردها دلار و عمر جوانان آمریکایی تصرف کنند!